

آدم بعضی از مواقع از دست تحلیل‌های دکتر زیباکلام دوست دارد شاخ دربیارود! چراکه معلوم نیست با تکیه به چه چیزی می‌گوید جناب هاشمی کاندیدای خیرگان می‌شود. سیاست هاشمی مشخص و تکلیفی است، تکلیف حمایت است جناب زیباکلام. **۰۹۱۸...**

آفتاب یزد: انتخابات خبرگان برگزار شد و آقای هاشمی هم یکی از کاندیداهای ریاست بودند.

برای خبرنگار خیلی زشت است که بعد از آن حرکت افشارزاده برود و جلسه ربوبسی ترتیب دهد. تابو بود سفارشی است. این خبرنگار هم به جمع نابلزاده و نیک قدم منش پیوست.

۰۹۱۷...
 درود بر شرف، غیرت، مردانگی و شجاعت سردار سلیمانی که همیشه با گمنامی در حال تلاش برای برقراری امنیت در ایران و خاورمیانه هستند.

۰۹۱۷...
 من بیمه اختیاری تامین اجتماعی دارم، هر سال با بالا رفتن حقوق کارگران بیمه من هم بالا می‌رود، من شاغل نیستم و از پس‌انداز خرج می‌کنم.

۰۹۱۱...
 جناب مهندس ترکان فرمودند اگر برخی اطرفیان احمدی‌نژاد ۱۰بار غسل کنند تخلفشان پاک نمی‌شود ما می‌گوییم تا عمر دارند نمی‌شود خواهشمندیم پیام ما را پخش کنید.

۰۹۱۷...
 آقایان نماینده‌ای که با ماسک وارد مجلس شده و سنگ مردم خوزستان را به سینه می‌زنند چرا از کسانی که هورالعظیم را خشک کردند چیزی نمی‌گویند؟

۰۹۱۷...
 سلام. چرا برخلاف پیگیری‌های به‌عمل آمده تاکنون احکام بازنشستگان سال ۱۳۸۸ آموزش و پرورش با قانون مدیریت خدمات کشوری تطابق نیافته است و معوقات پرداخت نشده است، علت چیست؟ حقوق آن دسته افرادی که سال ۸۸ در آموزش و پرورش بازنشسته شده‌اند، بسیار کم است. لطفا پیگیری فرمایید.

۰۹۱۳...
 هنگام عصبانیت بر خود مسلط باش تا هزاران روز راحت باشی.

۰۹۱۲...
 آقای رئیس‌جمهور در مورد تورم معجزه کرد آیا بهتر نیست در مورد سایر مسائل مثل گرانی‌ها هم معجزه کند.

۰۹۱۸...
 جای تأسف است که مخابرات با این همه داری و ثروت و درآمدهای سرشار از پول همین مردم، چرا از این دکانداران پیامکی عملا حمایت می‌کند.

۰۹۱۲...
 وجود دانشگاه تربیت معلم (فرهنگیان) ایده‌آل و عادلانه نیست وزارت آموزش و پرورش خودش آزمون استخدامی برگزار کند و از بین دبیلمه‌ها برای معلم دبستان، از بین دبیلمه‌ها برای معلم دبیرستان آزمون برگزار کند. یک دوره یک‌ماهه تا سه ماهه داوطلبان ذکور کارت پایان خدمت دوره ضرورت داشته باشند این طرح هم به نفع دولت است هم به نفع ملت.

۰۹۱۵...
 درود خدا بر مصدق بزرگ و بزرگ‌زاده، ملت ایران قدر او را می‌دانند و یادش را گرامی، مهم این است در قلب جا دارد خیابان و میدان مهم نیست.

۰۹۱۸...
 باسلام، من با روزنامه آفتاب آشنایی نداشتم تا امروز که قسمت تحلیل در مورخ ۱۶دی ۱۳۹۲به‌دستم رسید که پیامی از ۰۹۱۰ خطاب به آقای روحانی در مورد حذف یارانه‌ها نوشته بود یارانه باید به افراد تحت پوشش و غیره تعلق بگیرد حال سوال بنده این است که مایی که تحت حمایت هیچ نهادی نیستیم و با حداقل حقوق، شوفر مردم هستیم تکلیف چیست و با اینکه شغل ما سخت‌ترین شغل‌هاست ولی نه کارگر نه بازنشسته نه کمیته امدادی نه بهزیستی محسوب می‌شویم پس جایگاه ما در این مملکت چیست؟

۰۹۱۱...
 با سلام، در همین لحظه پس از خواندن صفحه زندگی روزنامه آفتاب متوجه شدم دچار سکتة مغزی هستم و خودم هم خبر نداشتم چون تمام علائمی که ذکر شده را در خودم حس می‌کنم! دوستان محترم، آفتاب روزنامه تخصصی پزشکی نیست بلکه روزنامه سیاسی و اجتماعی است. خواهشمندم از درج این قبیل مطالب که نتیجه‌ای جز ایجاد تشویش و نگرانی و مضطرب کردن خوانندگان ندارد جدا خودداری کنید. این مطالب باعث شده بود روزنامه را بایکوت کنیم و نشریات دیگری را بخرم متأسفانه هنوز خط‌مشی تغییری نکرده است.

۰۹۳۰...
 خواهش می‌کنم لطفا گزارشگر خود را ساعت ۶:۳۰ صبح تا ۹ صبح بفرستید خط ۴ بی‌آرتی ایستگاه تقاطع آزادی-نواب و بعدازظهرها ساعت ۴ به بعد بفرستید پل نصر ببینید آیا این طریق سرویس‌دهی به مسافران با عذاب سوار شود، درست است یا خیر به ما مسافران ربطی ندارد مسافت خط طولانی است و اتوبوس کم، ما از مسئولان سرویس‌دهی خوب می‌خواهیم.

۰۹۱۹...
 پیام هادی مردمی در صفحات ۲-۶-۸

چگونه شاه مخالف تک حزبی، موسس آن شد!

پروین مرآت امینی / ترجمه: شیدا قماشچی



تاریخ ایرانی: در دوم ماه مارس سال ۱۹۷۵ محمدرضا شاه پهلوی، با لغو نظام چند حزبی ایران مردم کشور را غافلگیر کرد. حزب رستاخیز به تنهایی جانشین نظام چندحزبی ایران شد. در فاصله مارس ۱۹۷۵ تا اکتبر ۱۹۷۸ تلاش برای سازماندهی این حزب ناکام ماند و به نارضایتی مردم دامن زد. در اول اکتبر ۱۹۷۸ در اوج ناآرامی‌های سیاسی، آخرین دبیرکل حزب استعفا داد و درهای رستاخیز برای همیشه بسته شدند. این تصمیم نیز همچون دیگر تصمیم‌های اتخاذ شده پس از سقوط دکتر مصدق در سال ۱۹۵۳، نشان از بیم و هراس داشت؛ هراسی که به دنبال قیام‌های مردمی سال ۱۹۶۳ شدت یافته و با افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳ به اوج رسید.

طی سال‌هایی که از انقلاب ایران گذشت، خطرات بسیاری منتشر شدند که شرایط سیاسی- اقتصادی دوران پهلوی را بررسی می‌کردند. اکثر این آثار با پشتیبانی مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد منتشر شده‌اند. این مرکز همچنین پروژه تاریخ شفاهی را راه‌اندازی کرد که شامل نقطه نظرات ۱۳۱ نفر است. به گفته ویراستار مجموعه، این افراد در فاصله سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ نقش مهمی در حوادث و تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایفا کرده‌اند یا از نزدیک شاهد این حوادث و تصمیم‌گیری‌ها بوده‌اند. میکروفیش اکثر این مصاحبه‌ها در ۹ کتابخانه در کشورهای مختلف نگهداری می‌شود. پس از مدتی مرکز مطالعات خاورمیانه تعدادی از این مصاحبه‌ها را منتشر کرد.

بر بررسی شرایط سیاسی این دوران این پرسش پدید می‌آید که چگونه ایده نظام تک حزبی در ذهن شاه شکل گرفت؟ در این مصاحبه‌ها پاسخ واضحی به این سؤال پیدا نمی‌کنیم؛ چه کسی مشاور شاه بود و چرا شاه حاضر شد تا این تصمیم که به وضوح فاجعه‌آمیز بود را بپذیرد؟ عبدالمجید مجیدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۹۷۷-۱۹۷۳) می‌گوید: «ایده تاسیس حزب رستاخیز ناگهان از کجا ظاهر شد؟ چه کسی آن را پیشنهاد کرد؟ این واقعا یک سؤال بزرگ در ذهن من است.»

این مقاله قصد دارد تا به توصیف شرایطی بپردازد که تحت آن، شاه به این باور رسید که تنها راه نجات حکومتش، ایجاد نظام تک حزبی است. نویسنده مقاله زمانی که نخستین بار این ایده به شاه ارائه شد، حضور داشت.

در سال ۱۹۶۹ فرح در نمایش خصوصی فیلمی در تهران حضور یافت که منوچهر گنجی نیز یکی از مدعوین بود. در خلال برنامه، گنجی به ملکه نزدیک می‌شود و پیشنهاد ایجاد یک بنیاد را مطرح می‌کند با او در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مشاوره داده شود. برای اتخاذ چنین تصمیماتی ملکه باید از شاه اجازه می‌گرفت.

دیدگاه شاه نسبت به جایگاه فکری زنان در مسائل ملی در مصاحبه‌ها با اوریا فالاجی در یک جمله خلاصه شده است: در این مصاحبه مشهور، شاه می‌گوید که زنان به طور طبیعی از هوش کمتری نسبت به مردان برخوردار هستند. او شاه از مقابله با زنان خاندان خودش خشن داشت. تصمیم دولت شدنت تا از چنین جنس موقعیت‌هایی سواستفاده کند. در این موقعیت خاص، تشکیل یک بنیاد این توهم را در ذهن فرح پدید می‌آورد که در امور دخیل است. در حالیکه حقیقت این بود که او هیچ گونه قدرت اجرایی نداشت. شاه تنها تصمیم‌گیرنده بود، اگرچه در چندین مورد مختلف مشوروعیش زیرسؤال رفته بود.

فرح به گنجی چراغ سبز نشان داده شد. او به‌طور بی‌وقفه مشغول به کار شد تا کارهای بنیاد را سر و سامان ببخشد. اعضای بنیاد از دو دسته تشکیل می‌شدند: دسته نخست که اعضای دائمی بودند و همجنین مأمور سواوک بودند، دسته دوم که منتخب گنجی بودند و آن‌ها نیز از فیلتر گزینش رد می‌شدند. گروه دوم بیشتر ایرانیان تحصیلکرده در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا بودند. انتخاب این افراد سلیقه فرح را نشان می‌داد.

در سال ۱۹۷۴، غلامرضا افخمی، یکی از مشاورین ملکه، این پیشنهاد را مطرح کرد که سیستم چند حزبی منحل شده و سیستم تک‌حزبی جایگزین آن شود. افخمی مدیرکل دکنترای خود را از دانشگاه آمریکا اخذ کرده بود و استاد دانشکده علوم سیاسی دانشگاه ملی ایران بود. او تصور می‌کرد که عدم مشارکت مردم در احزاب سیاسی از بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به رهبران این احزاب نشأت می‌گیرد. ایجاد یک حزب به رهبری شاه می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند و در نتیجه مردم در این حزب مشارکت خواهند داشت و شاه نیز می‌تواند تجربه سیاسی بارزتری کسب کند. زمانی که این بحث در منزل گنجی مطرح شد، همه حضار به شدت با این پیشنهاد

مخالفت کردند. بحث داغی شکل گرفت ولی مانع از آن نشد که گنجی این پیشنهاد را به ملکه منتقل کند.

در آغاز پاییز ۱۹۷۴، چند ماه پیش از آنکه شاه این تصمیم را اعلام کند، اعضای بنیاد با ملکه در کاخ سعدآباد - اقامتگاه تابستانی خانواده سلطنتی - دیدار کردند. مشاورین که دور میز کنفرانس نشستند بودند صدای ملکه را از اتاق مجاور شنیدند: «این جوانان با پیشنهاد حزب فراگیر اینجا هستند.» پس از آن صدای شاه به گوش رسید: «ولی این همان فاشیسم است.» اعضای بنیاد خوشحال شدند چون فکر کردند که ایده رد شده است. در ابتدای جلسه، گنجی سخنانش را طوری آغاز کرد که انگار صدای شاه را شنیده است و از نظر او اطلاعی ندارد. زمانی که پیشنهاد حزب مطرح شد، پاسخ ملکه شبیه پاسخ شاه بود. او این را فراشیستی خواند و آن را قابل بررسی ندانست. اما این آخر داستان نبود. شاه این ایده را در ذهن خود بالا و پایین کرد و آن را با اعضای کابینه‌اش در میان گذاشت.

اعضای بنیاد می‌دانستند که پیشنهادات ارائه شده نزد ملکه روی میز کار شاه قرار می‌گیرد و او از میان آن‌ها انتخاب می‌کند. شاه عادت داشت که ایده‌های دیگران را به صلاحدید خودش تحریف کند و آن را به خودش نسبت دهد. در این مورد خاص، عوامل دیگری نیز وجود داشتند تا او از مطرح کردن نام شخص ایده‌پرداز باز دارند. این پیشنهاد توسط یک استاد تحصیلکرده در آمریکا مطرح شده بود که مشاور ملکه نیز بود.

به این ترتیب به سؤال «چه کسی ایده حزب رستاخیز را مطرح کرد؟»، پاسخ داده شد. اما اصل و ریشه این پیشنهاد از چندان اهمیت تاریخی برخوردار نیست که چرایی و چگونگی پذیرش این پیشنهاد، باید به این نکته اشاره کرد که شاه در کنفرانس تخت‌جمشید درباره برنامه پنجم توسعه در سال ۱۹۷۲ گفته بود: «کشور ما یک دیکتاتوری تک حزبی نیست.» چه چیزی باعث شد تا در فاصله سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ نظرش تغییر کند؟ دیدگاه شاه از خوش‌بینی افراق‌آمیز و اعتماد به نفس بالا به بدبینی شدید و عدم اعتمادبنفس نوسان داشت. در دوران سختی، شجاعتی از خود نشان نمی‌داد. در سال ۱۹۵۳ هنگامی که فکر کرد کودتا علیه مصدق شکست خورده است از کشور فرار کرد. بار دیگر در سال ۱۹۶۱، زمانی که اعتصاب معلمان به شورش در تهران انجامید، علی امینی، فردی که از او می‌ترسید را به مقابله با معترضان فرستاد. در فاصله سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۴، زمانی که ایده حزب فراگیر را در ذهن می‌پروراند، شرایط اقتصادی و سیاسی او را به سختی مضطرب کرده بود. برای برخورد با مخالفانش ایده حزب فراگیر را پذیرفت. سه سال بعد، در آغاز سال ۱۹۷۹، زمانی که از شرایط موجود ناامید شد کشور را ترک کرد و اعضای دولت همچون عبدالمجید مجیدی، دعا کرده‌اند که افزایش سالانه ۱۱/۲ درصد در تولید ناخالص ملی طی دهه ۱۹۷۳-۱۹۶۳ یک معجزه بود.

تفسیری که از اقتصاد ایران طی این دهه می‌شود، جای بحث دارد. مداخلات سیاسی در تولید آمار اقتصادی، به خصوص در زمینه تولید ناخالصی

ملی، آمار و اطلاعات را نامعتبر کرده‌اند. با در نظر گرفتن چنین شرایطی می‌توان فقط حدس و گمان زد. شواهد زیادی وجود دارند که نشان می‌دهند از سال ۱۹۶۲ تا سقوط شاه در سال ۱۹۷۹، بخش کشاورزی کشور که بخش کشاورزی می‌تواند ۲۷درصد تولید ناخالص ملی و ۵۵ درصد از نیروی کار را بر می‌گرفت، آسیب فراوانی دید. بخش نفت پیشرفت کرد، عمران شرایط نوسانی داشت و صنعت رشد اندکی یافت. ارزش افزوده در این دو بخش آخر از سال ۱۹۷۳ به بعد کاهش می‌یافت. در حالی که بخش نفت پیشرفت می‌کرد، بخش کشاورزی در سال ۱۹۷۳ به بعد کاهش می‌یافت. پس از تصمیم او یک در سال ۱۹۷۹ منفی باشد. میزان صحت آمار اقتصادی بیانگر کیفیت تحلیل‌های اقتصادی در دوره مورد بحث است. نخستین بار در سال ۱۹۶۰ عباس قزلباش، کارشناس سیستم سازمان برنامه، سیستم محاسبه تولید ناخالص ملی را به دولت ایران معرفی کرد. او عقیده داشت که به دلیل کمبود اطلاعات و آمار اولیه، دقت چندانی در محاسبات وجود ندارد. اقتصاددانان بانک مرکزی شیفته این ایده شدند و ادعا کردند که محاسبه میزان درآمد ملی در حیطه وظایف بانک مرکزی است. در سال‌های اول هر دو سازمان محاسبه آمار را انجام دادند. این محاسبات بسیار خام بودند و اقتصاددانان آن را «تمرین فکری» می‌خواندند. در این فاصله هیچ اهمیت سیاسی به این قضیه داده نمی‌شد و دخالتی در امور محاسبات صورت نمی‌گرفت.

اما در اواسط دهه ۱۹۶۰، زمانی که محمد یگانه معاون وزیر اقتصاد به تولید ناخالص ملی علاقه نشان داد، شرایط تغییر کرد. او شاه را با این مفهوم آشنا کرد. شاه به طور کلی نسبت به اقتصاددانان و ابزار آن‌ها همچون میزان تولید ناخالص ملی، بی‌اعتقاد بود. او و اطرافیانش مباحث تئوریک را نادیده می‌گرفتند و آن را «کار بیپوده» می‌نامیدند. اما یگانه موفق شد تا با زبان شاه با او صحبت کرده و توجه او را به میزان درآمد وزیر جدل شده است. میزان رشد تولید ناخالص ملی که توسط کارشناسان بانک مرکزی و سازمان برنامه ۳ درصد در سال ۱۹۶۴ اعلام شده بود، طی یک شب به ۱۴ درصد افزایش یافت.

یگانه از سوی سازمان ملل متحد در تونس کار کرده بود. او معتقد بود که اقتصاد ایران مشابه اقتصاد تونس است. او نتیجه گرفت که بخش کشاورزی به شایه ارائه داده شد، پس از آنکه شاه به درآمد ناخالص ملی توجه نشان داد، کسی جرات نداشت که از ارقام «به نسبت صحیح» را به او نشان دهد. اما علاقه شاه به میزان تولید ناخالص ملی و مشکلات تکنیکی تنها مانع بر سر راه تولید آمار صحیح نبود. تهیه گزارش سالانه اقتصادی به درگیری میان کارشناسان سازمان برنامه و منصور روحانی، وزیر کشاورزی، منجر شد. اگر میزان رشد در بخش کشاورزی کمتر از آن چیزی محاسبه می‌شد که وزیر به اعلیحضرت گزارش داده بود، او دهان به ناسزا و تهدید می‌گشود. کارشناسان به دنبال یک روش عملی گشتند. در آخر توافق کردند تا میزان حقیقی رشد را - که در بخش کشاورزی منفی بود - با رقم دروغینی که وزیر کشاورزی به شاه ارائه داده بود جمع کرده و از آن میانگین بگیرند. این تحریف حقایق فقط به بخش کشاورزی محدود نمی‌شد. محمد یگانه بعدها به مقام ریاست بانک مرکزی ارتقا یافت. این‌بار به حوزه نفت توجه نشان داد. علاقه پیشین او، یعنی محاسبه میزان رشد درآمد ناخالص ملی، با میزان تغییرات در حوزه نفت تداخل داشت. به این ترتیب ارقام رسمی اعلام شده توسط بانک مرکزی در دو سال ۱۹۷۵-۱۹۷۳ از ارقام نجومی هم بیشتر بود.

اما واقعیت این بود که شرایط اقتصادی ایران در این دو سال بسیار بد بود. تولیدات کشاورزی، عمران، صنعت و بخش خدمات به طور چشمگیری افت کردند. یگانه دلیل می‌آورد که افزایش قیمت نفت، اگرچه ارتباطی به افزایش تولید ندارد، اما باید رشد حقیقی به شمار بیاید و از عبارت «نسبت منباده» استفاده می‌کرد. این آمار، چه حقیقی و چه ساختگی، شاه را به وجد می‌آوردند. جعل آمار توسط مهندس یگانه یادآور داستان «لباس جدید پادشاه» اندرسون است.

صلابت در عمل به تدبیر

ادامه از صفحه اول: چراکه این اتفاق، نه در نواحی مرزی افغانستان و پاکستان، بلکه در دیار خوبان، شهر گل و بلبل، دیار حافظ روشن ضمیر و سعدی شیرین سخن، شانسنامه فرهنگ و تمدن کهن ایران زمین، سرزمین سومین حرم امن اهل بیت(ع) که در طول تاریخ پرفراز و نشیبش حاکمانی باکفایت و تدبیر را در خود پرورانده و به خود دیده، که در سایه تدبیرش در هنگامه هجوم ویرانگر و خانمانسوز مغولان، که همه چیز را کشتند و سوختند و بردند، شیراز مامن امن و ساحل آرامش این ملک و بوم بود. اکنون چرا این حادثه باید در چنین شهری و باچنان سابقه فرهنگ و تمدنی اتفاق بیفتد؟ آن هم نه برای یک شهروند عادی که برای یک نماینده مجلس، که دارای مصونیت قضایی است. آن هم فرزند شهید مطهری که امام (ره)، پاره تنش خوانده و این فرزند مستول نشر آثارش، که آن شهید در جایی می‌گوید خیال نکند راه اسلام این است که نگذاریم دیگران حرف بزنند، تصور نشود که جلوگیری از ابراز افکار، پاسداری از اسلام است، از اسلام فقط یک نیرو پاسداری می‌کند و آن منطلق و آزادی دادن و مواجه شدن با افکار مخالف است و این فرزند پیرو آن مکتب است. پس مسئولانی که در این حادثه کوتاهی داشته‌اند تا زمان شناسایی و مجازات مسببان حادثه، نباید با وجدان راحت سسر برپالین بگذارند. تا در پیشگاه وجدان خویش، آسوده‌خاطر و در منظر افکار عمومی و صفحات زرین تاریخ روسفید و ماندگار باشند، چه زبیا گفته دکتر چمران! که انسان‌های بزرگ، شنیفته و دل‌بسته مال و مقام و هوای نفس نمی‌شوند، بلکه حق گو و حقیقت‌بین‌اند. کوتاه اما با ارزش و جوانمردانه زندگی می‌کنند و عقاب وار بر قله‌های رفیع انسانیت گام برمی‌دارند، اسیر و تسلیم مال و قدرت نمی‌شوند، بلکه مال و قدرت و دیگران، اسیر و تسلیم قدرت ایمان و روح و اراده و صلابت آنان می‌گردد!

پس به خاطر دوست داشتن نظام و کشور، سربازی فداکار، حقیقت بین و حق گو باشیم. همان گونه که چمران‌ها بودند و اکنون قاسم سلیمانی‌ها در حراست از آرمانها و ظریف‌ها و میدان دیپلماسی و در حفظ دستاوردها و دکتر هاشمی در عرصه وزارت و طبابت‌ها و... زیرا که مردم و افکار عمومی بیدارند و تیزبین، حق شناسند و نجیب، حساسند و زیربن. سره را از ناسره و آب را از سراب، خوب تشخیص می‌دهند. فقر را تا عمق جان به خاطر وطن تحمل می‌کنند اما تبعیض و فرق را نه، تشنه عدالتند و اجرای قانون، عزت و عظمت نظام و کشور را از جان و دل بیشتر دوست دارند. وقتی اقتدار ایران را در منطقه و جهان می‌بینند، هنگامی که قدرت اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان 'عج' را در صحنه‌های مختلف همچون ربودن هواپیماهای ریگی بر فراز آسمان و آوردن دیپلمات ایرانی در یمن را می‌بینند، نمی‌خواهند و نمی‌توانند ضعف برخی مدیران، در برخورد با یک عده خودسرها قانون شکن، که با فرهنگ و اخلاق بیگانه‌اند، در دیده و چشم ببینند.

زیرا که این افراد بی‌منطق و قانون گریز نمی‌فهمند با این گونه کارهایشان، از سویی این شبهه را در آذهان ایجاد می‌کنند که از جایی دستور می‌گیرند، پس بجا و ضروری است که وزیر کشور با صلابت و درایت و هم اندیشی با نیروهای انتظامی و استانداران و دیگر ارکان نظام چاره‌ای جهت برخورد قاطع با این اراذل و اوباش ببیندیسد. چراکه امید به آینده‌ای فارغ از این قانون سستی‌زنی‌ها، در سایه صلابت و عمل به تدبیر امروز است.

صادرات مجازی آب تا چه وقت!؟

ادامه از صفحه اول: حیرت آور است. مایه حیات را هدر می‌دهیم و آبی که باید تشنگی دشت‌ها را مرتفع کند و به ترازوی پایان دهد صرف کشت گوجه فرنگی می‌شود که پشت درهای بسته کارخانه‌های رب سازی می‌ماند و بوی مشتمل‌کننده آن مشام هر جماعتی را آزار می‌دهد. شرایط دیگر مثل گذشته نیست که بدون توقف بتازیم به صادرات مجازی آب بیندیشیم. تصمیم‌گیری در این نقطه حاسم می‌تواند لولای فرسوده کشاورزی ما را روغن کاری و از هدر رفت آب جلوگیری کند تا سقفونی خاک‌های مرده و رحمان خراش ندهد. رژیم برفی طبیعت که مدت‌هاست با ما قایم‌باشک‌بازی می‌کند نیز اوضاع را بغرنج‌تر کرده و شاید اگر به دنبال تغییر الگوی کشت نیشیم سر از بن کشته‌های گیج‌کننده تری درآوریم. منتقدان معتقدند اگر الگوی کشت از سمت صیفی جات به سوی غلات پیش برود و محصولاتی چون زعفران و پسته که در فراسوی مرزها شانسنامه صادرات ایران قلمداد می‌شوند جانشین محصولاتی گردد که با جذب ویرانگر آب سفر تاریک خاک را کلید می‌زنند می‌توان امیدوار بود در اقی پیش رو کویر جای دشت‌های سبز را در این کهن دیار نگردد و قاب چشمانم پر از تصاویر لبریز از حسرت و حرمان نگردد. به نظر می‌رسد برای حل معادلات چندجهولی تنها یک وزارت‌تخانه نمی‌تواند نقش فرشته نجات را ایفا کند. شاید وقت آن رسیده که ارگان‌های تاثیرگذاری چون وزارت جهاد کشاورزی پای کار بیایند و در اتاق کش‌های آبیچندتا بیچندتا فردا شرمندگی روی پیشانی نسلی که آب را به از مرغی سرزمینش بدل می‌کند نشینند. باید جنجید که فردا دیر است. فاصله دشت‌های سبز تا کویرهای خشک و خالی از زندگی زیاد نیست!

داستان سخنان یونسی

ادامه از صفحه اول: چندی پیش یکی از خطبای نماز جمعه تهران مرگ پادشاه عربستان را تبریک گفت که این اظهارات باعث جنجال‌های بسیاری شد. یک نمونه کوچک از تبعات این سخن، خشک‌ری‌های عجیب و غریب مقامات سعودی برای صدور روایتد زائران ایرانی بود که در نهایت علیرغم تلاش‌های وزارت خارجه حداقل تا پایان تعطیلات عید نوروز همه پروازهای عمره لغو شد. البته این موضوع تنها بخش اندکی از واکنش‌هایی بود که رخ داد و مطمئنا در آینده نیز این کشور و کشورهای هم پیمانش به خاطر تبریک خطیب نماز جمعه تهران سعی می‌کنند خلاف جهت منافع ملت ایران عمل نمایند. جالب آنکه پس از آن سخنان و واکنش‌های تند کشورهای منطقه از جمله عربستان هیچ یک از این رسانه‌ها اشاره‌ای به موضوع فوق نداشتند. حتی پس از لغو پروازهای عمره هم این رسانه‌ها هیچ اشاره‌ای نکردند که چرا تلاش‌های وزارت خارجه بی‌ثمر بوده و ریشه این کارشکنی سعودی‌ها کیحاست! البته اگر به عقب تر برویم و به زمان دولت قیل رجبی کنیم از این دستسخت زیاد مطرح شده و هزینه‌های بسیاری مردم ایران به خاطر آن پرداخت نمودند. واکنش این رسانه‌ها آن زمان هم فقط سکوت بود و سکوت چرا که ماموریت اصلی‌شان توجیه نقایص دولت وقت بود!